

بر اساس تحقیقات انجام‌شده زهر عنکبوت بیوه سیاه ۱۵ برابر کشنده‌تر از سم مار زنگی است و به گفتهٔ سخنگوی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان بیوه سیاه در بیشتر شهرهای استان مشاهده است. این خبر باعث شد که شهروندان تصاویر زیادی از این عنکبوت که در محل زندگی خود مشاهده کرده بودند را برای ما ارسال کنند، هرچند که فاطمه نوروزیان اعلام کرد خوشبختانه تاکنون موردی از گزش ناشی از عنکبوت بیوه سیاه گزارش نشده اما شهروندان مراقب باشند.

وی همچنین در خصوص سم‌پاشی محلات که خواستهٔ بسیاری از شهروندان بود گفت: سم‌پاشی روش مناسبی برای از بین بردن عنکبوت بیوه سیاه نیست و مضراتی برای زیست‌محیطی و انسانی دارد و بهسازی محیط بهترین راه مقابله با این‌گونه از عنکبوت‌ها است. گفتنی است که وجود عنکبوت بیوه سیاه در استان هرمزگان موضوع تازه‌ای نیست و سال‌هاست که ساکنین این استان از وجود این عنکبوت کشنده با خبر هستند. اولین نشانه گزش این عنکبوت شکم‌درد است و شدت علائم ممکن است تا ۲۴ ساعت افزایش پیدا کند پس از آن طی دو تا ۷ روز به آهستگی تخفیف یابد. با توجه به آمارهای ارائه‌شده یادآوری برای عنکبوت سیاه در ایران وارد نشده است.

صبح ساحل در گفتگو با امان الله قرایی مقدم، جامعه شناس به بررسی الگوی رفتاری نسل زد پرداخت:

فضایی درست شده که برای نسل‌های گذشته دوره آخرالزمان است

امان‌الله قرایی مقدم: ما نسل جدید را بی بنیاد و بی هویت کرده‌ایم و شناسنامه هویت ملی را از آنها گرفته‌ایم و آنها باری به هر جهت شده‌اند و دنبال تتلوها یا مایکل جکسون‌ها افتاده‌اند



دل به الماس آب دیده بشوید. جامعه مرتب در حال تغییر است. گوریچ می‌گوید جامعه منظومه متعدد الی‌عبارت و متعددالاجزایی با سطوح، جنبه‌ها و جلوه‌های گوناگونی است که هر لحظه به رنگی درمی‌آید. اما ما در جامعه‌ای که همچنان نسل‌های کهن‌سال مصدر کار هستند نمی‌خواهیم این تغییرات را ببندیم. نسل جوان می‌گوید در این انتخابات‌هایی که با نظارت استصوابی برگزار می‌شود من چه نقشی دارم؟ شما هیچ نقشی برای من در نظر نگرفته‌اید پس چه توقعی از من دارید؟

از اساس آن چیزی که از دهه هشتادی‌ها در اعتراضات ماه‌های اخیر دیدیم را باید در چه قالبی بفهمیم؟ جنبش اجتماعی یا سرکشی و عصیان؟

این خیزش در واقع هم یک جنبش اجتماعی و هم طیفانی علیه ناملایمات، سنت‌ها و سختگیری‌های درون جامعه است. از منظر جامعه‌شناسی نمی‌توان این پدیده را یک بعدی دید. نسل جوان دنبال خواسته‌های جدید است. عصیان هم اگر باشد علیه ناملایمات، یکسویه‌نگری‌ها، ایدئولوژی زدگی و نادیده گرفته شدن‌هاست. سال ۹۸ معترضان شعار دادند: اصلاح‌طلب، اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا! اما ما به این شعار توجهی نکردیم. این اعتراضات را جنبش و خیزش بنامیم یا اغتشاش تفاوتی ندارد. نسل جوان قانع به وضع موجود نیست، سنت‌ها و آداب و رسوم را می‌شکند و از پدرسالاری عبور کرده است. بنابراین جنبش اتفاق می‌افتد و بیش از صد شهر را درگیر می‌کند.

همه جنبش‌های نوین دنیا خشونت پرهیزند اما در خیزش اعتراضی اخیر در کشورمان شاهد بروز نوعی خشونت دوسویه بودیم و مثلاً ناسزاگویی به عنوان خشونت کلامی بروزی فراگیر داشت؟

من با این ادعا موافق نیستم. فرازهایی از مبارزه کسی مانند مهاتما گاندی که به عنوان نمادی برای صلح مطرح است هم با کشته شدن عده‌ای همراه بود. اما نمی‌توان وجود چند اتفاق محدود را خشونت‌ورزی نظام‌مند قلمداد کرد. در وقایع اخیر کشورمان هم خشونت‌هایی به صورت محدود رخ داده است. اما آنطور که گوستاو لوبون می‌گوید جماعت به حرکت درآمده است. وقتی در یک تجمع فردی شعار مرگ بر فلان می‌دهد همه آن جمع با آن شعار همراهی می‌کنند بدون آنکه فکری در میان باشد. این ویژگی جماعت است. اما در مجموع خشونت‌ورزی چندانی از سوی جامعه رخ نداده است. اما من قبول دارم که نسبت به اعتراضات سال‌های ۹۶ و ۹۸ حجم خشونت در جامعه بالا رفته است. البته خواسته‌ها هم تغییر کرده است. در جریان اعتراضات مربوط به افزایش قیمت بنزین پلیس هم خشونت چندانی را اعمال نکرد. حالا اما آستانه تحمل در جامعه ما پایین آمده است.

برخی‌ها اینطور برآورد می‌کنند که مثلاً نوع کنش اعتراضی بازنشستگان از یک الگوی مسالمت جویانه و مدنی پیروی می‌کند. درحالی که نسل حرف‌گوش نکن دهه هشتادی نسبت به ارزش‌های دموکراتیک پایبند نیستند یا بی تفاوتند؟

ما در شرایط سلطه فضای مجازی قرار داریم. مارشال مک لوهان بر این اعتقاد بود که باید وسایل ارسال پیام را تقویت کرد و به فکر ساخت تلویزیون و ماهواره و... بود. اما هارولد گراسول آمریکایی بر این باور بود که چنین اقداماتی به رغم مفید بودن کافی نیست. توصیه



او این بود که باید با ایجاد جذابیت دنبال تغییر ذائقه مخاطب جوان بود. سر ادوارد تایلور فرهنگ شناس برجسته انگلیسی هم حدود صدسال پیش بر این اعتقاد بود که غرب برترین تمدن جهان را در اختیار دارد و دیگر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها باید به زیر سلطه تمدنی غرب دربیایند. همه کوشش‌های آنها در زمینه توسعه رسانه‌ای و گسترش فضای مجازی را باید در جهت دستیابی به همین هدف دید. با همین تمهیدات بود که سبک زندگی، خواسته‌ها، بینش‌ها و آموزش تغییر کرد. امروز جامعه ما گذشته را پشت سر گذاشته و چشم به آینده دارد که البته مقصر خود ما هستیم. دیگر نمی‌توان انتظار داشت جامعه ما بر سر میراث گذشته بنشیند و به قول سعدی سنگ سراج‌چه

سیاسی و فرهنگی جامعه بدانیم؟

بله، من کاملاً با این مساله موافقم. این یک تهدید است. اما پرسش جامعه شناسانه به این برمی‌گردد که مقصر این تهدیدزایی کیست؟ من زمانی در بعثه امام در شهر مکه و در یک جمع ۵۰۰ نفره سخنرانی کردم. آنجا من اشاره کردم ژاپنی‌ها در ۱۹۴۹ گفتند ژاپنی بنامیم اما از تمدن غرب عقب نماییم پس ما هم باید ایرانی بنامیم اما از تمدن غرب عقب نماییم. پرسش این است که ما کدام اسطوره ایرانی یا کدام شخصیت برجسته علمی و فرهنگی را به نسل‌های جدید معرفی کردیم؟

حداکثر یک مجسمه از فردوسی یا آرش کمانگیر را در نقاطی از شهر تهران قرار داده‌ایم. در فلان برنامه تلویزیونی جوان لیسانسیه‌ای را می‌آورند و از او می‌خواهند یک بیت شعر فارسی بخواند اما نمی‌تواند. در دوره جوانی ما در خانه برآیمان شاهنامه می‌خواندند و به همین خاطر نسل ما با احساسات ملی با آمد. اما نسل جوان امروز آیا هیچ شناختی از شاهنامه فردوسی دارد؟ مقصر خود ما هستیم که جوانان را با هویت ملی بیگانه کرده‌ایم.

یکی از همکاران جامعه شناس شما آقای دکتر آصف بیات برای موج اعتراضی چندماه گذشته تعبیر جنبش طلب کردن زندگی را به کار برد. آیا باید این گزاره را به معنای سیاست‌گریزی نسل زد بدانیم؟

وقتی با این نسل به شیوه درستی مواجه نمی‌شویم در درونش سیاست‌گریزی هم شکل می‌گیرد. زیرا آن



مسئولانی که باید به این نسل روش زندگی و فرهنگ و سنن را می‌آموختند به مسئولیتشان عمل نکردند. به همین علت این نسل از این آداب و سنن بریده است. نسل جوان طالب یک زندگی جدید است. من با گزاره‌ای که دکتر آصف بیات مطرح کرده موافقم. ما که متعلق به نسل‌های قبل هستیم و مسئولیت داریم گذشته‌نگر هستیم.

اما نسل جدید آینده‌نگر است. چون ما این نسل را بی بنیاد و بی هویت کرده‌ایم و شناسنامه هویت ملی را از آنها گرفته‌ایم و آنها باری به هر جهت شده‌اند و دنبال تتلوها یا مایکل جکسون‌ها افتاده‌اند. البته دولت و حکومت می‌توانست نیازهای این نسل را برآورده کند تا دیگر کار به اعتراض خیابانی نکشد.

امان‌الله قرایی مقدم جامعه شناس بر این باور است که نسل جدید بی‌بنیاد و بی‌هویت بار آمده است. او این نسل را با وصف سنت شکن بودن معرفی می‌کند. این استاد جامعه‌شناسی سلطه رسانه‌ها و گسترش فضای مجازی را اصلی‌ترین عامل خصلت‌پذیری تدریجی جوانان دهه هشتادی می‌داند. فاصله افتادن میان نسل‌های جدید و نسل‌های گذشته البته از سال‌ها قبل برای قرایی مقدم امر مسلمی بوده اما از نگاه او نسل دهه هشتاد متفاوت‌تر از همه است. شرح مصاحبه صبح ساحل با ایشان را در زیر می‌خوانید:

هم رو به کاهش است. چقدر این مساله را واقعی می‌بینید؟

البته شما اینقدر مساله را خوب بیان کردید که دیگر نیازی به توضیح من نیست. با این حال من با وجود شکاف بین نسلی خیلی موافق نیستم و به جای آن قائل به فاصله میان نسل‌ها و تفاوت آنها هستم. اینطور نیست که دره‌ای میان دو نسل پدید آمده و ارتباط میان آنها به طور کامل قطع شده باشد. درواقع هنوز ریشه‌ها باقی مانده است. اما فاصله میان نسل‌ها آنقدری عمیق شده که حتی امروز نسل دهه هفتادی هم نمی‌تواند نسل دهه هشتاد را درک کند. براساس نظریه جرج گوریچ جامعه ما در حال حرکت شتابنده متغیر تندشونده است. تفصیل این موضوع در کتاب جبر و اختیار آزادی انسان نوشته مرحوم دکتر حبیبی

مختصات نسل متولد دهه ۸۰ یا نسل موسوم به زد چیست که در برخی محافل اعمال حکمرانی بر این نسل دشوار یا حتی غیرممکن توصیف شده است؟

اگر بخواهیم موضوع را به درستی تحلیل کنیم باید به نظریه‌های جامعه‌شناسی تکیه کنیم. البته اینطور نیست که چنین شرایطی به یکباره برای نسل دهه هشتادی پیش آمده باشد. جوانان و نوجوانانی که در عصر سلطه رسانه‌های جمعی و فضای مجازی و متأثر از گروه همسالان و در پی پیروی از طرز تفکر خود و خردگرایی هستند نگاه به آینده دارند. در دیدگاه دیوید رایزمن جامعه شناس آمریکایی و نیز مکتب فرانکفورت، آدرنو و دیگران و پیش از همه این‌ها ماکس وبر در نظریه مشروعیت عقلانی، کاریزماتیک و سنتی این موضوع مطرح شده است. مطابق همه این نظریات که از هم تبعیت می‌کنند نسل جدید سنت شکن است و سنت‌ها را قبول نمی‌کند و حاضر به پیروی از آن نیست. این نسل به همه سنت‌های گذشته پشت پا می‌زند. مطابق نظریه رایزمن جوامع دارای سه مرحله سنتی، خردگرایی و دنباله روی هستند. جوانان ما امروز در مرحله خردگرایی و الگوگیری از فهم خود و نیز پیروی از همسالان و فضای مجازی قرار دارند. البته والدین در این مرحله بسیار موثر هستند. امروز مادر به دخترش می‌گوید مثل من نباش و برای تشخیص خوب و بد مسائل از عقل و فهم خودت پیروی کن یا پدر به پسرش می‌گوید مثل من نباش، به دنبال تحصیلات عالیه برو و آنطور که هم سن و سالانت رفتار می‌کنند باش. همین عوامل باعث شده تا امروز نسل جوان سنت شکن باشد و به این تصور برسد که هیچ اندیشه، باور و رسمی دارای حرمت نیست و ما می‌توانیم همه این باورها را زیر پا بگذاریم. همچنانکه امروز مشاهده می‌کنیم واقعا نسل جوان این کار را می‌کند. این مساله به خصوص در جامعه ما نوعی جبر اجتماعی است.

تصور می‌کنم شما از دو دهه پیش در یادداشت‌های مطبوعاتی و مقالاتی که منتشر کرده‌اید فاصله افتادن میان نسل جدید و نسل‌های گذشته را متذکر شده بودید؟

بله، از زمانی که رسانه‌ای مثل تلویزیون وارد خانه‌های مردم شد تا امروز که شاهد گسترش فضای مجازی هستیم چنین تغییری قابل مشاهده بوده است. حضرت آقا در نوروز سال ۹۷ جمله‌ای را در مشهد فرمودند که البته دارای مبنای علمی هم هست. ایشان گفتند فناوری با خود فرهنگ به همراه می‌آورد. یعنی انواع تکنولوژی‌هایی که به خدمت بشر در می‌آید به سبک زندگی، خواست‌ها امیال و طرز تفکر انسان جهت می‌دهد. این مساله را در نسل دهه هشتادی بیشتر و شدیدتر می‌بینیم. اما همین وضعیت برای دهه هفتادی‌ها هم وجود دارد.

نسل دهه هشتاد خود را بهره‌مند از مزایای انقلاب دیجیتال می‌بیند و همین به افزایش فاصله و شکاف بین نسلی دامن زده. حالا این ادعا مطرح می‌شود که شناخت مسئولان و کارگزاران سیاسی از این نسل